



## آموزش‌های تخصصی، نیازمبرم جامعه

گفت و گو با مصطفی اسداللهی؛

طراح گرافیک پیشگام - استاد دانشگاه

ببیند باید بداند چه شیوه‌هایی را باید فرابگیرد تا بتواند از عهده طراحی موضوعی که به او داده‌اند برآید. باید به بخشهایی که می‌خواهیم آموزش دهیم و به مقاطع آن توجه داشته باشیم، هر یک از این بخشها گرایش‌های مختلفی دارند. در نظام آموزشی مقاطع متعددی مثل هنرستانها و مقطعی قبل از پایان دوره متوسطه وجود دارد که طراحی گرافیک را آموزش می‌دهند. مقطعی به نام فوق دیپلم طراحی گرافیک بعد لیسانس یا همان کارشناسی و سپس کارشناسی ارشد وجود دارد. این مقاطع در ابتدای آن بوده که مشخص کنیم چه گروههایی را برای طراحی گرافیک می‌خواهیم تربیت کنیم.

ولی امروز نیازمند تدوین برنامه‌ای هستیم تا ببینیم قبل از ورود به هنرستان و پیش از ورود به دانشگاه با توجه به سن و نیازهایی که پروسه طراحی گرافیک دارد چه افرادی باید در این بخش آموزش ببینند. آیا باید برنامه‌ها همانی باشد که در دانشگاه تدریس می‌شود یا اساساً در این مقطع حلقه مفقوده‌ای وجود دارد که باید پیدا شود. ما به کسانی نیاز داریم که بتوانند فکری را به خوبی پیاده کنند. طراح با تجربه که چندین سال است به طراحی مشغول است نیاز به فردی دارد که بتواند فکر و ایده کاری که باید انجام شود را به نحواحسن پیاده کند. پس به افرادی نیاز داریم که برای پیاده کردن و اجرای مناسب آن بتوانند در مقطعی به طراح کمک کنند. از سوی دیگر زمانی که فکری آماده و اجرا می‌شود به جای خالی حلقه‌ای دیگر پی می‌بریم، بخشی که کار باید اجرا شود. برای چاپ، به افرادی نیاز داریم که در لیتوگرافی آماده باشند، آنها باید طرح را بگیرند و در لیتوگرافی آن را اجرا کنند. به جای آنکه یک دوره را در هنرستان، دانشگاه و کارشناسی ارشد مرتب تکرار کنیم، ببینیم واقعا "چه مسیری باید طی شود و به چه تخصص‌هایی نیاز داریم. ضروریات را مشخص کنیم و هر کدام را در شرایط خاص خود و با توجه به طول دوره‌ای که در وزارت آموزش و پرورش و بعد در وزارت آموزش عالی تعیین شده است، آموزش بدهیم.

**دانشگاه‌ها هنوز هم به صورت کلی برنامه ارائه می‌کنند، ما باید مثل کالج‌های دنیا، نیازهایمان را شناسایی کنیم و برای هر کدام دوره‌های تخصصی کوتاه مدت طراحی کنیم.**

باید این مجموعه‌ها را از شروع تا به انتها برنامه‌ریزی کنیم. مشکل اینست که در دوره قبل از دانشگاه یعنی در رشته‌های هنرستانی، طی سه سال، و بعد در دانشگاه برنامه‌های درسی خیلی شبیه به هم هستند، می‌شود گفت یکی هستند. ولی در انتها باز هم به دوره‌های تکمیلی نیاز پیدا می‌کنیم، افرادی که در این دوره‌ها آموزش دیده‌اند برای تخصص ویژه بدنال آموزشهای ویژه می‌گردند. اکنون نیاز به این آموزش‌ها حس می‌شود، افراد زیادی هستند که برای این تخصص‌های

**- فرهادی:** در باره آموزش صحبت می‌کنیم بخصوص آموزش طراحی گرافیک، فکر می‌کنم از آنجا شروع کنیم که ببینیم آموزش طراحی گرافیک را بر چه منابعی می‌توانیم بنا کنیم و بعد، روی این زیر بنا چه ساختمانهایی را می‌توانیم بسازیم؟

**- اسداللهی:** به عقیده من بهتر است به پروسه طراحی گرافیک نگاه کنیم که از طراحی یک فکر شروع می‌کنیم و به فکر مخاطب آن هستیم. این پروسه طولانی‌ای است که در حقیقت بخشهای مختلفی را شامل می‌شود. اول تفکر است بعد از آنکه تفکر پذیرفته شد، قالبی برایش تعیین می‌شود. بعد از انتخاب قالب، سراغ ساخت کار می‌رویم، بعد از ساخته شدن حالا باید ببینیم با چه شیوه‌هایی باید آنرا تکثیر کنیم، تکنیکها که به کار اضافه شد می‌رسیم به این که کار کجا و چگونه به مخاطب برسد.

اگر به این پروسه دقت کنیم در حقیقت تکلیف مان با آموزش تا حدی روشن می‌شود. در یک سو طراح، در سوی دیگر مقوله پیام و پیام‌رسانی و در نهایت مخاطبان را داریم، برای برنامه‌ریزی در هر یک از این بخشها باید ببینیم برنامه‌های ما به کدام سمت و سو حرکت می‌کند. بهتر است اول راجع به مقوله طراح گرافیک و بعد درباره پیام و سپس مخاطب صحبت کنیم.

همیشه گفته‌ام، این مقوله مسیری است بین طراح و مخاطب و ابزار اصلی‌ای که باید در باره سرنوشت آنها فکر کنیم پیام است. اگر پیام را خط عمودی بین طراح و گرافیک فرض کنیم و بین طراح و مخاطب نیز خط افقی در نظر بگیریم، اتصال این خطوط به هم، با کار طراح صورت خواهد گرفت، تا با انتخاب ابزارهای مناسب پیام را به مخاطب منتقل کند. اگر به خط عمودی خطوطی وصل کنیم، این خطوط اندازه‌های متفاوتی خواهد داشت، در واقع، نزدیکترین خط همان خط مستقیمی است که می‌تواند در کوتاهترین و سریع‌ترین زمان پیام را به مخاطب برساند و اگر از بالا و پایین خطوط دیگری را به خط عمودی وصل کنیم و بعد خط‌ها را به مخاطب متصل کنیم طول این پاره‌خط‌ها بیشتر خواهد شد. این وضعیت در انتقال پیام‌های تصویری که باید در سریعترین زمان ممکن منتقل شوند و زمانیکه باید بوسیله ابزارها و بیان تصویری غیر مستقیمتر به مخاطب انتقال داده شوند، رخ می‌دهد. اگر به مجموعه این ساختار نگاه کنیم جایگاه ما در زمینه آموزش به کسانی که به طراحی گرافیک علاقه مند هستند، مشخص تر خواهد شد. چون هر بخش اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و باید مشخص شود که به کدام بخش از این پروسه باید توجه کنیم.

بنابر این باید پروسه تاریخی این رشته را برای هنرجوی آن شرح دهیم، در واقع طراحی گرافیک یکی از رشته‌های هنرهای تجسمی است که بنا به ضروریات اجتماعی و ماشینی شدن زندگی و احساس نیاز به انتقال پیام‌ها در کوتاهترین زمان، از نقاشی جدا می‌شود. فردی که می‌خواهد در این رشته آموزش

خاص ارزش قائل می‌شوند، وقت صرف می‌کنند، کار را تخصصی‌تر آموزش می‌دهند. صحبت سر اینست که طراح گرافیک ما در دوره‌های مختلف حرفه‌ای‌اش، در سالهای شروع کارش و بعد در حین مجرب شدن، همانطور که به جلو می‌رود، مسیرهای مختلفی را طی می‌کند. شاید بهتر باشد از هم تفکیک شوند و برای هر کدام از بخشها برنامه‌ریزی خاص صورت بگیرد. کلیاتی که در بخش آموزش گرافیک داریم بهم ریخته است آنقدر که نمی‌توانیم دوره‌ها را از هم جدا و اهم و فی‌الاهم کنیم، بخصوص اینکه با توجه به نیاز، شرایط و حلقه‌های مفقوده‌ای که گفتم باید برای مقطع برنامه‌ریزی بکنیم، نمی‌دانیم هدف مان از آموزش طراحی گرافیک چیست؟

**- فرهادی:** در حقیقت اینطور متوجه شدم که می‌گوئید؛ آموزش باید هدف‌مند باشد و حتماً بر اساس برنامه‌ریزی دقیق، مقطع به مقطع پیش برود که در آن صورت، آموزش ما که هنرجوی گرافیک را از یک نقطه به نقطه دیگری می‌خواهیم برسانیم، برنامه محور می‌شود نه تجربی. حالا سوال این است که آیا فکر می‌کنید این آموزشهای مقطع به مقطع از هنرستان به دانشگاه، از دانشگاه به دوره کارشناسی و ارشد و حتی دکترا می‌تواند تمامی فراگرفته‌های هنرجو را که در آینده می‌خواهد طراح گرافیک حرفه‌ای شود، کامل کند؟ اگر نمی‌تواند به چه چیزی برای کامل کردن آموزش نیاز داریم؟

**- اسداللهی:** طراحی گرافیک بسیار گسترده است و به تخصصهای بی شماری نیاز دارد، تعداد گرایش‌ها خیلی